

قلعه فرود گناباد

برگی مشهور از يك داستان باستانی



دکتر عباس زمانی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه تهران



پروفیسر شہناز گل خان کی زیر نگرانی

پرتال جامع علوم انسانی

قلعه فرود گناباد

برگی مشهور از يك داستان باستانی

دکتر عباس زمانی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه تهران

برطبق حکایت شاهنامه فردوسی، سیاوش پسر کیکائوس به توران زمین لشکر کشید ولی افراسیاب از جنگ طفره رفت و باوی پیمان بست.^۱ در جریان این واقعه پیران ویسه سیاوش را به ازدواج تشویق کرد و سیاوش دختر پیران را انتخاب نمود.^۲

به موازات این ازدواج پیران ویسه سیاوش را به خواستگاری فرنگیس دختر افراسیاب نیز ترغیب نمود^۳ و نتیجه این دو ازدواج تولد فرود از دختر

۱- کتاب شاهنامه چاپ لیدن بسمی اغوستوس و لرس، جلد دوم، مطبعه بریل،

۱۲۹۵ هجری، ص ۵۷۱

از ایران بنده درد و تیمار خویش
چو باید تسرا بنده باید شمرد
مرا همچو فرزند خود می شناس
که پیوندم از خان تو بهترست
ایضاً شاهنامه ص ۶۰۵ و ۶۰۶

مرا غم ز بهر کم و بیش تست
که از دامن شاه جوئی گهر
ایضاً شاهنامه ص ۶۰۷

۲- یکی زن نکه کن سزاوار خویش
بس پرده من چهارند خرد
سیاوش بدو گفت دارم سپاس
ز خوبان جریره مرا در خورست

۳- اگر چند فرزند من خویش تست
ولیکن ترا آن سزاوار تر

پیران^۴ و تولد کیخسرو از دختر افراسیاب^۵ بود .
 سیاوش در نزد افراسیاب محترم بود ولی در نتیجه بد گوئی گرسیوز^۶،
 سردار تورانی، مغضوب و مقتول گردید^۷. پیران ویسه فرنگیس را رها نید^۸
 و کیخسرو را به شبانان سپرد^۹. کیخسرو بزرگ شد و، برای اینکه از
 دسترس ایرانیان دور باشد، به فرمان افراسیاب به ختن رفت. گیو
 قهرمان باستانی ایران کیخسرو را جستجو^{۱۰} و به رفتن نزد کیکاوس
 تشویق کرد. کیخسرو نزد کیکاوس رفت^{۱۱} و بر تخت شاهی نشاند

بیامد سواری و را موده داد .
 یکی کودک آمد چو تابنده ماه
 بتیره شب اندر چوپیران شود .
 ایضاً شاهنامه ص ۶۳۰

بجای آمد و تیره شد آب من
 غم روز تلخ اندر آمد همی
 از این نامور بچه رستنی .
 یکی نامور شهریار آورد
 بغم خوردن او را دلارام کن
 ایضاً همان شاهنامه ص ۶۵۱ و ۶۵۲
 سیاوش دگر دارد آئین و کار .
 نهانی بنزدیک او چند گام .
 همی یاد کاوس گیرد بجام .
 ایضاً شاهنامه ص ۶۳۶

۴- هم آنکه بنزد سیاوش چو باد
 که از دختر پهلوان سیاه
 و را نام کردند فرخ فرود

۵- سیاوش بدو گفت کن خواب من
 مرا زندگانی سرآمد همی
 ترا پنج ماهست از آبستنی
 درخت گزین تو بیار آورد
 سرافراز کیخسروش نسام کسن

۶- بدو گفت گرسیوز ای شهریار
 فرستاده آمد ز کاوس شاه
 ز روم و ز چین نیزش آمد بیام

۷ و ۸ - ایضاً همان شاهنامه ص ۶۶۳ و ۶۶۷

۹- شبانان کوه قلورا بخواند
 بدیشان سپرد آن دل و دیده را

۱۰ - ایضاً شاهنامه ص ۷۱۲ و ۷۱۶

۱۱- چو کیخسرو آمد بر شهریار
 با آذین جهانی شد آراسته

جهان گشت پر بوی و رنگ و نکار
 در و بام و دیوار پر خواسته
 ایضاً شاهنامه ص ۷۴۷

شد ۱۲ و فرود با مادرش در قلعه کلات گناباد مستقر گردید. کیخسرو پس از جلوس تصمیم به جنگ با افراسیاب گرفت ۱۳ و طوس را به توران زمین فرستاد ۱۴ و به او توصیه کرد راه بیابان را پیش گیرد و از راه کلات، که از کنار قلعه فرود میگذرد، عبور نکند ۱۵ ولی طوس، به علت خشکی و دوری راه بیابان، معبر کلات را انتخاب کرد ۱۶. فرود از آمدن طوس آگاه شد و بدیدن

بوسید و مالیدر خرابگاه
گرفت و بردش بجای نشست
ز گنچور تاج کیان خواست پیش
ایضاً همان شاهنامه ص ۷۶۳

۱۲ - بشد خسرو دست کاؤس شاه
وزان پس نیادست او را بدست
نشاندش دل افروز برجای خویش

۱۳ - ایضاً شاهنامه ص ۷۷۰

۱۴ - ایضاً شاهنامه ص ۷۹۲

گر آن ره روی خام گردد سخن
بدان گیتیش جای امید باد
که پیدا نبود از پدر اندکی
جهاندار با فر و با لشکرست
یکی کوه در راه دشوار و تشک
نه نیکو بود چنگ شیران زدن
ایضاً شاهنامه ص ۷۹۴

۱۵ - گذر بر کلات ایچ گونه مکن
روان سیاوش چو خورشید باد
پسر بودش از دخت پیران یکی
کنون در کلات است و بامادرست
سپه دارد و نامداران چنگ
براه بیابان بساید شدن

همیرفت تا پیشش آمد دو راه
کلات از دگر سوی و راه چرم
اگر گرد عنبر دهد خاک مشک
به آب و با سایش آید نیاز
برائیم و منزل کنیم از میم
بسوی کلات و چرم ره برند
ایضاً شاهنامه ص ۷۹۵ و ۷۹۶

۱۶ - وزان سو که بد طوس و دیگر سپاه
زیک سو بیابان بی آب و نم
بگودرز گفت این بیابان خشک
چو رانیم روزی به تندی دراز
همان به که سوی کلات و چرم
بگفت و بفرمود تا بگذرند

لشگر رفت ۱۷. طوس از دیدن فرود بر آشفت و وی را احضار کرد ۱۸. فرود از آمدن نزد طوس خودداری نمود و داماد ۱۹ و پسر ۲۰ و چند تن دیگر از سرداران او را، که مأمور احضار شده بودند، کشت ۲۱ طوس سرسخت تر شد ۲۲ و پهلوانان دیگری چون گیو ۲۳ و بیژن را به جنگ فرود فرستاد. فرود، که در

که شد روی خورشید تابان کبود .
همی سوی توران گراید بکین
ندانم کجا اوقند جنگ شان .
چنین گفت کای بسانوی بسانوان
نباید که آرد یکی تاختن .
بدین روز هرگز مبادت نیاز .
روان سیاوش بشوید همی
کمر برمیسان بستن و ساختن

۱۷ - پس آگاهی آمد بنزد فرود
سپاه برادرت از ایران زمین
ز راه کلات است آهنگشان
بر مادر آمد فرود جوان
چه گوئی چه باید کنون ساختن
جزیره بدو گفت کای رزم ساز
برادرت چون کینه جوید همی
ترا پیش باید بکین تاختن

❦

جوانرا سربخت برگشته بود .
از آن لشکر و آلت کارزار .
ایضاً شاهنامه ص ۷۹۶ تا ۸۰۰

برفتند پویان آخوار و فرود
بماندند خیره فرود و تخوار

دیدند ناگه فرود و تخوار .
فروماند برجای پیلان و کوس .
سواری بیاید همی کامگار
براند دمان تاسر برزکوه
بدان تند بالا ز بهر چه اند .
ایضاً شاهنامه ص ۸۰۲ و ۸۰۳

۱۸ - چو ایرانیان از برکوهسار
بر آشفت ازیشان سپهدار طوس
چنین گفت کز لشکر نامدار
که جوشان شود زین میان گروه
به بیند که این دودلاور که اند

همی کرد گردون بروبر فسوس
دلش پرچفا بود نستوه شد .
ز قربسان کمان کئی برکشید .
که بر دوخت با ترک رومی سرش
شد آن کوه بر چشم او ناپدید
ایضاً شاهنامه ص ۸۰۹ و ۸۱۰

۱۹ - بیامد دگر باره داماد طوس
ز راه چرم برسپید کوه شد
چو از تیغ بالا فرودش بدید
ز بالا خدنگی برانداز برش
چو سالار طوس از میم بنگرید

۲۱ و ۲۲ و ۲۳ - ایضاً شاهنامه ص ۸۱۱ و ۸۱۲ و ۸۱۴

ابتدا توسط مادرش تشویش به کین خواهی پدر شده و میل همراهی باطوس داشت، بالاخره زخم برداشت و پس از مراجعت به قلعه مرد ۲۴. اطرافیان فرود خود را به پائین انداختند و مادرش گنجها را سوزانید و در مقابل نعش پسرش باخنجری شکم خود را درید. ۲۵

برگ مشهود این داستان غم انگیز قلعه فرود کلات گناباد است که آثار آن هم اکنون بر فراز قلعه منفردی وجود دارد و در دو قسمت بشرح ذیل بررسی میگردد :

الف - موقعیت قلعه فرود .

ب - آثار قلعه فرود .

موقعیت - جغرافیای تاریخی شهرستان و شهر گناباد توسط نگارنده در شماره مخصوص دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران مجله بررسیهای تاریخی بیان و اشعار شده که این شهرستان در دوران پیش از اسلام معمر داخلی قلات ایران و قسمتهای شرقی آن و محل برخورد میدان

خروشان یکی تیغ هندی بمش فرو مانند از کار دست دلیر بزخمی بی باره او برید تبه گشته از جنگ کند آوردن دروغ آن دل و نام جنگی فرود همه تخت موی و همه کاخ دود ایضا شاهنامه ص ۸۲۲ و ۸۲۳

چو شد زین جهان نارسیده بکام همه خویشتن بر زمین بر زدند همه گنجها را باتش بسوخت بر جامه او یکی دشنه بود شکم بردرید و برش جان بداد بغارت به بستند یکسر میان ایضا شاهنامه ص ۸۲۴

۲۴- چورهام دید آن درآمد زپشت برد بر سر سفت آن مرد شیر بنزدیک دژ بیژن اندر رسید پیاده خود و چند از آن چاکران بدژ درشد و دربه بستند زود همی کند جان آن گزیده فرود

۲۵- فرود سیاوخش بی کام و نام پرستندگان بر سر دژ شدند جریره یکی آتشی بر فروخت بیامد به بالین فرخ فرود دورخا بروی پسر بر نهاد در دژ گشادند ای-رانیان

جنگ لشکریان ایران و توران بوده است. هم‌چنین مذکور گشت که در کنار این معبر اصلی و جنگی، که بوسیله تنگل ۲۶ های کلات و زبید به دشت پشن و گیسور و بالاخره به قسمت‌های شرقی ایران میپیوسته، آثاری تاریخی، از جمله قلعه فرود، وجود دارد. قلعه فرود در حدود شش کیلومتری جنوب شرقی قریه کلات و ۳۰ کیلومتری جنوب غربی گناباد و در شرق جاده اسفالتی گناباد - فردوس، به احتمال قوی همان معبر اصلی و جنگی فوق، است که بر فراز قلعه منفرد و مرتفعی قرار دارد.

قریه کلات که مکرر در اشعار شاهنامه بخصوص داستان مورد بحث از آن نام برده شده است، در ۲۴ کیلومتری جنوب غربی گناباد واقع و بر اساس نتایج سرشماری آبان ۱۳۴۵ دارای ۱۱۶۸ نفر جمعیت بوده است^{۲۷}. این قریه بیلاقی و مزارع اطراف آن دارای آب نسبتاً فراوان و درختان سرسبز و محل گردش اهالی در روزهای تعطیل تابستان است.

قله‌ای که قلعه فرود بر فراز آن قرار دارد (شکل ۲۹) رفیع و عظیم و وسیله دوتک (ته، تنگه) و دو دره بشرح زیر از قله اطراف خود جدا افتاده است: از شمال شرقی وسیله تک میمند که آبی بهمین نام در آن جاری است و پس از پیچ و خمهای فراوان و تشکیل آبشارهای کوتاه و بلند متعدد به قریه کوچک میمند^{۲۸} (به احتمال قوی همان میمند در اشعار فردوسی) میرسد و آن را مشروب میکند. از جنوب غربی به تک زو که آبی بهمین نام در آن جاری است. این آب نیز از میان سنگهای کوچک و بزرگ میگذرد و آبشارهایی به ارتفاع سه تاده متر تشکیل میدهد و بالاخره قریه کوچکی بنام زو^{۲۹} را

۲۶ - دره بین دو کوه

۲۷ - جلد پنجم فرهنگ آبادیهای کشور، مرکز آمار ایران، چاپ اول، بهمن ۱۳۴۷.

۲۸ - میمند در آبان ۱۳۴۵، بیست و شش نفر جمعیت داشته است؛ جلد پنجم

فرهنگ آبادیهای کشور، مرکز آمار ایران، بهمن ۱۳۴۷، دهستان کافک.

۲۹ و ۳۰ - در آبان ۱۳۴۵ زو ۲۴ نفر و کوه قلعه ۶۲ نفر جمعیت داشته است؛

ایضاً جلد پنجم فرهنگ آبادیهای کشور، دهقان کافک

مشروب میکنند. پهنای این تك غالباً ۵ تا ۱۰ متر و عبور از آن مشکل است (شکل ۱۰ و ۱۱). دیوارهای سنگی طرفین آن تا آسمان ممتد بنظر میرسد (شکل ۵) و در بعضی جاها دیواره سنگی قلعه پایه قلعه بطرف تك متمایل و بصورت ایوان مسقف درآمده است. وجود آثار سه آسیا (شکل ۴) در این تك نشان میدهد که سابقاً آب زیادتری در آن جاری بوده است.

از مغرب به دره زو که در سمت جنوب به تك زو میرسد. صعود از این دره به سطح قلعه فرود، بدون وسائل کوه نوردی، مشکل است.

از مشرق به دره کوه قلعه ۳۰ که احتمالاً نام آن را از قلعه فرود گرفته اند. این دره از دره زو کم عمق تر بوده و تنه راه نسبتاً سهل الورد به قلعه از قسمت شمالی آن است که به تك میمند منتهی میشود. احتمالاً سرداران ایرانی از همین راه به قلعه صعود میکرده اند و این شعر فردوسی: «چو سالار طوس از میم (احتمالاً میمند) بنگرید شد آن کوه بر چشم او ناپدید» در همین مورد سروده شده است.

آثار - آثار موجود قلعه فرود و اطراف آن عبارت از سه قسمت است:
اول آسیاهای تك زو - این آسیاها در اواخر قسمت جنوبی تك، هر يك به فاصله سی متر از دیگری، قرار دارد (شکل ۴). از آسیای شمالی فعلاً قسمتی از تنوره و محل ناوه (ظرف هر می شکلی که گندم از آن به سوراخ سنگ بالای آسیا میریزد) باقی است. ضخامت دیوار سنگی تنوره حدود ۱/۲ متر و قطر داخلی آن يك متر است و از پائین به بالا، مانند مخروط، باریک میشود. دیوار ایوان یا طاق نمای شمالی که ناوه در آن قرار داشته از سنگ و قوسهای تقریباً جناغی آن از آجر است. در طرفین این طاق نما محل اتصال دوسر چوبی که ناوه را نگه میداشته بخوبی روشن است و حتی قدری از آن چوب در انتهای سوراخ اتصال بچشم میخورد. ارتفاع این طاق نما حدود سه متر است و جست قوس آن قریب يك متر میباشد.

آسیای وسط از نظر ضخامت دیوار و قطر تنوره نظیر آسیای شمالی است و آجرهای قوس طاقنمای مشرف بر ناوه به ابعاد $۲۶ \times ۲۶ \times ۷$ سانتیمتر است و لی ساروج آن از بین رفته و قسمت پائین تنوره وسیله سیل پر شده است. ارتفاع تنوره این آسیا در خارج و در سمت شمال، مانند تنوره آسیای شمالی، حدود ده متر و کف آن هم سطح انتهای تنوره آسیای شمالی است و با توجه به ده متر اختلاف سطح، درسی متر فاصله، شیب تند تک بخوبی روشن میگردد. از آسیای جنوبی فعلاً فقط کف تنوره سنگی و آثار ساروج آن ظاهر است. در بالای سه آسیا سطح سنگی نسبتاً مسطحی در پناه دیواره قله وجود دارد که احتمالاً منزل آسیابانها بوده است.

دوم غارهای قله زیر قلعه - در حال حاضر اثر چهار غار در غرب و شرق دیده میشود :

۱- غار سمت غربی - دهنه این غار در اواسط تک زو، با ارتفاع کمی از قعر تک، دیده میشود (شکل ۳) و بمرور زمان و در اثر سیلابهای زمستانی و بهاری تقریباً مسدود شده است.

۲- غار سمت شرقی که در کمر قله قرار دارد و بمرور زمان، به علت نزول خار و خاشاک و سقوط لبه های غار و پائین رفتن و بالا آمدن کبوتر بگیران، قسمت عمودی و ابتدای آن تا نزدیک دهانه پر شده است ولی ادامه شیب دار آن هنوز بخوبی دیده میشود. طبق گفته بعضی از اهالی محل این غار به غار سمت غربی مربوط بوده است.

۳- دو غار پایه شرقی قله - این دو غار، هر یک به عمق افقی بیش از بیست و عرض سه و ارتفاع دو متر، مصنوعاً از شرق به غرب کنده شده و طاق هلالی در آنها تعبیه گردیده است (شکل ۶). البته این مشخصات مربوط به حالت مشهود دو غار است و شاید با خاک برداری و حفاری های علمی در کف و یا دیوارهای آنها آثار دیگری ظاهر گردد.

سوم آثار بالای قله یعنی قلعه فرود - بالای قله‌ای که قلعه بر فراز آن ساخته شده صلیبی شکل و شامل پنج قسمت است :

۱- بازوی جنوبی که در ارتفاع کمتری نسبت به محل تقاطع بازوها قرار دارد و در سطح آن قطعات آجر فراوان بچشم میخورد (شکل ۷) ولی در حال حاضر آثار ساختمانی جالب توجهی دیده نمیشود .

۲- بازوی غربی که در وضعی کم ارتفاع تر نسبت به محل تقاطع بازوها قرار دارد و خود دارای زائده‌ای به مساحت تقریباً 30×30 متر میباشد و در سمت شرق آن آثار دیوارهای سنگی مشاهده میگردد . (شکل ۸)

۳- بازوی شرقی که کوتاهتر از سه بازوی دیگر است ولی در آن آثار دیوارها و پلکان سنگی وجود دارد (شکل ۹) .

۴- بازوی شمالی که وسیع تر از بازوهای دیگر است و از گپائین نامیده میشود. این بازو به فاصله ۵۰ متر از محل تقاطع بازوهای صلیب به دو شاخه تقسیم میشود . شاخه غربی حدود ۷۵ متر بطرف شمال غربی ادامه مییابد و در اواخر آن يك بارو و به عبارت دیگر معبر سنگی به عرض $2/5$ متر و ضخامت دیوار $1/5$ متر وجود دارد . در دیوار خارجی این بارو چند سوراخ ، هر يك به فاصله $1/5$ متر از دیگری ، وجود دارد که احتمالاً محل دید نگهبانان و پرتاب کردن تیر بوده است . از این بارو تنگ کلات بخوبی دیده میشود . شاخه شرقی بازوی شمالی پائین تر از شاخه غربی و بطرف شمال شرقی ممتد است . اضافه بر دیوارهای سنگی شرقی و غربی بازوی شمالی ، آثار بعضی قسمتها بچشم میخورد . یکی از آنها چاله وسیعی به طول سی و عرض حدود بیست متر است که احتمالاً برای ذخیره آب بوده است . دیگر يك اطاق و احتمالاً آب انباری است (شکل ۱۰) که ابعاد آن در حالت فعلی به این قرار است : عرض قسمت جنوبی ، که قسمتی از سقف آجری آن هنوز باقی است و دارای اندود ساروجی میباشد ، ۵ متر .

عمق، یا در واقع قسمتی از طول که فعلاً ظاهر است از شمال به جنوب، ۴ متر.

ارتفاع، از کف پراز گل ولای تاسقف، ۱/۵ متر.

۵- محل تقاطع بازوهای صلیب، که ارگ بالا نامیده میشود و مرتفع-ترین قسمت قلعه و قلعه است: دارای حدود پنج‌متر قطر و شامل قسمتهای مختلف ساختمانی میباشد که تماماً، نسبت به آنچه فعلاً دیده میشود، از سنگ و ساروج است و آثار دو قسمت آن روشن میباشد:

اول باقیماندهٔ يك تالار شرقی - غربی، در سمت مغرب، به طول ۶ و به عرض ۴ متر که بر يك راهرو به عرض دو متر عمود میشود و مجموعاً چون يك صلیب بی‌سر جاوه میکند. ضخامت دیوارهای تالار و راهرو شمالی - جنوبی بیش از يك متر است و ظاهر آثار حکایت دارد که در طرفین راهرو و بقایای ساختمانی دیگر وجود داشته و فعلاً در زیر خاک مخفی و یا از بین رفته است.

دوم باقیماندهٔ دیوارهای سنگی ایوانی در سمت شرق به عرض ۵ و طول (عمق) حدود ۶ متر که ظاهر حول و حوش آن حکایت از وجود قسمتهای دیگری در طرفین ایوان دارد (شکل ۱۱).

در سطح این قسمت قطعات آجرهای مختلف البعدی وجود دارد و نشان میدهد که در بنای این قلعهٔ عظیم، بخصوص در سقف‌ها، انواع آجرها بکار رفته است. ابعاد بعضی از آجرها از این قرار است:

آجرهای دارای ابعاد $۲۸ \times ۲۸ \times ۷$ سانتیمتر.

نیم‌آجرهای دارای ابعاد $۲۸ \times ۱۴ \times ۷$ سانتیمتر.

آجرهای دارای ابعاد $۳۳ \times ۱۶ \times ۶$ سانتیمتر.

آجرهای قهوه‌ای رنگ به ابعاد $۲۰ \times ۲۰ \times ۳$ سانتیمتر.

آجرهای چند ضلعی بطول هر ضلع ۲۳ سانتیمتر.

قلعه فرود کلات گناباد یکی از قلاع بزرگ و مفصل ایران باستان است ولی مادام که حفاریهای دقیق عملی در آن صورت نگیرد و دلایل روشن تری بدست نیاید نمی توان تاریخ قطعی آن را مشخص نمود زیرا با وجودیکه اشعار فردوسی و قهرمانان شاهنامه او ظاهراً مربوط به دوره هخامنشیان میباشند دلایل روشنی، که بتواند قلعه را به قبل از دوره ساسانی نسبت دهد، در دسترس نیست. از طرف دیگر این بنا را نمیتوان صریحاً بدوران اسلامی متعلق دانست زیرا با اینکه تقریباً تاریخ این دوران روشن است مطلبی از این قلعه عظیم در دسترس نیست و با وجودیکه در بعضی از کتابهای جغرافیای تاریخی از قلعه گیو گودرز صحبت به میان آمده،^{۳۱} درباره این بنا بحث نشده است.

دوره ای که بیشتر احتیاج به استحکامات و قلاع دفاعی داشته، دوره سلجوقی و بخصوص پیش آمدهای پیروان حسن صباح بوده است ولی با وجودی که قهستان یکی از مراکز اسماعیلیه بوده تصور نمیشود که یک فرقه ظاهراً مذهبی، که اکثر گرفتار جنگ و گریزها بوده و ایجاد خوف و هراسها نموده، در مدت نسبتاً کوتاهی فرصت و قدرت تأسیس اینگونه قلاع عظیم را داشته است و وجود بعضی قطعات آجر و سفال دوران اسلامی و مشابه با سفالهای دوره سلجوقی بیشتر میتواند حاکی از سکونت چند ساله افراد این فرقه در این قلعه و استفاده موقتی از آن و نظائر چنین وقایعی داشته باشد.

قلعه فرود کلات گناباد، مانند قلعه دختر شوراب گناباد، یک بنای دوره ساسانی بنظر میرسد و دلایل انتساب آن به آن دوره بقرار ذیل است:

- ۱- از نظر موقعیت - اکثر قلاع منسوب به دوره ساسانی در کنار راههای مهم و بر فراز قلهها و نقاط صعب العبور ساخته شده است، مانند قلعه دختر فیروز آباد فارس و قلعه دختر شوراب گناباد.^{۳۲}

۳۱- شماره مخصوص دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران مجله

بررسیهای تاریخی، ص ۳۹۰

۳۲- ایضاً شماره مخصوص مجله بررسیهای تاریخی ص ۴۰۲

۲- از نظر نقشه و فرم - پلان کلی و جزئی بناهای قلعه فرود کلات گناباد فعلا بخوبی روشن نیست ولی تالار مستطیل و ایوانها و راه-روها و همچنین سقفهای آجری و گهواره‌ای، که آثارش در این قلعه وجود دارد، در بناهای دوره ساسانی، از جمله کاخ سروستان، ۳۳ معمول بوده است.

۳- از نظر مصالح - در اکثر بناهای دوره ساسانی بخصوص اوایل آن دوره، سنگ و قلوه سنگ و همچنین آجر بکار میسرشته و با گچ و ساروج ملاط و اندود میشده است مانند قلعه دختر فیروز آباد فارس و قلعه دختر شوراب گناباد. اضافه بر آن در دیوار بعضی از بناهای دوره ساسانی، چون کاخ سروستان، سنگ و در قوسها و سقفها آجر ۳۴ بکار رفته و این امر، بطوریکه اشاره شد، در قلعه فرود نیز صورت گرفته است. وقتی دیوارهای سنگی قلعه دختر شوراب گناباد را با تنوره آسیاهای مجاور قلعه و یا دیوارهای بالای قلعه فرود مقایسه کنیم از نظر شکل سنگها و طرز چیدن آنها همانندی نزدیکی خواهیم دید (شکل ۱۲) بخصوص که در ملاط و اندود هر دو ساروج نیز بکار رفته است.

۴- از نظر سفالهای لعابدار - اضافه بر آجرهای فراوان تعدادی سفالهای ساده و لعابدار در سطح قلعه، کم و بیش، پراکنده است که در بین آنها غالب سفالهای لعابدار، بخصوص سفالهای لعابدار ترك خورده، با سفالهای دوره ساسانی قابل مقایسه است.

بنظر میرسد که:

۱- بناهای بازوی شمالی که از طرفی بلافاصله پس از راه سهل‌الورود قلعه واقع و از طرف دیگر در مقابل معبر کلات و مشرف بر تک میمند و دره زواست، محل استقرار لشکریان و پاسداران بوده است.

۲- بازوی غربی وضع اختصاصی داشته و برای سکونت فرمانروای

قلعه و حرم و اعضاء خانواده او مورد استفاده بوده است. گفته بعضی از اهالی راجع باینکه زنان حرم فرود، پس از مردن همسرشان، خود را به تك زو انداخته اند میتواند این نظرا تقویت کند.

۳- بازوی جنوبی، که در پشت قسمتهای دیگر قرار داشته و مطمئن تر و آرام تر بوده، احتمالاً محل معابد و انجام مراسم مذهبی بوده است.

۴- محل تقاطع بازوها، که مرکز و مشرف بر سایر قسمتها میباشد، محل کار فرمانروا و همکاران او بوده است.

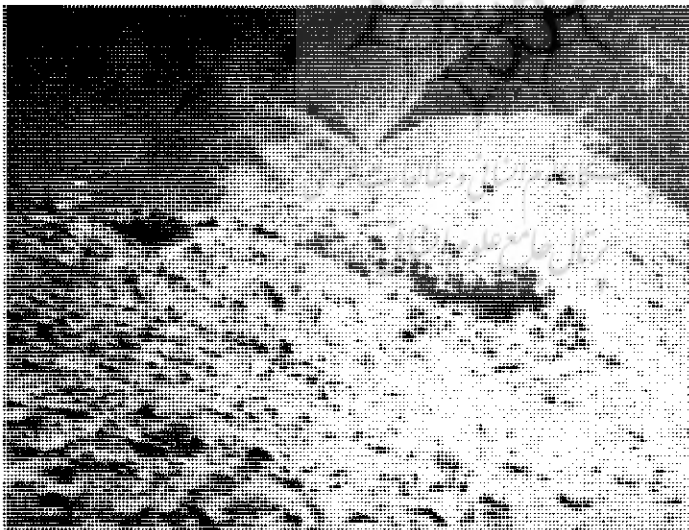
امید است وزارت محترم فرهنگ و هنر باین اثر تاریخی عطف توجه و با صدور دستور کاوشهای علمی وضع آن را روشن فرمایند. مسأله جالبی که با حفاریهای علمی حل خواهد شد مسأله آبرسانی این قلعه عظیم است. بطوریکه در محل گفته میشود آب قلعه از چشمه‌های دامنه قلل مرتفع تر و واقع در جنوب شرقی آن، از طریق لوله‌های مسی و بطرز شتر گلو، تأمین میشده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱

قله ای که قلعه فرودگناباد بر فراز آن است . در سمت چپ آثار باروی شاخه غربی بازوی شمالی قلعه دیده میشود.



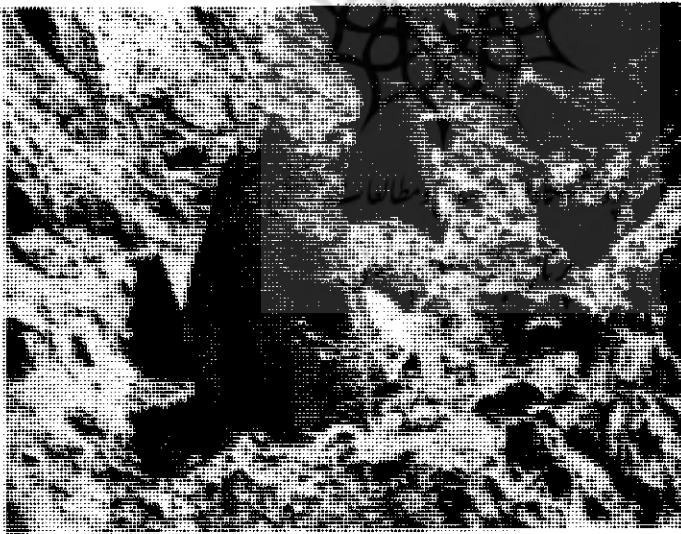
شکل ۲

انتهای قله ای که قلعه فرودگناباد بر فراز آن است .



شکل ۳

اواسط تکزو و ابتدای غار سمت غربی پایه قله که در اثر سیلابها ظاهراً مسدود شده است



شکل ۴

اواخر قسمت جنوبی تکزو که در آن تنوره دوآسیا دیده میشود .



شکل ۶

دهنه یکی از دوغار مصنوعی پایه شرقی قلعه که هر یک بیش از ۲۰ متر عمق (طول) دارد .



شکل ۵

دیواره های سنگی تئزوک تا آسمان ممتد بنظر می رسد .

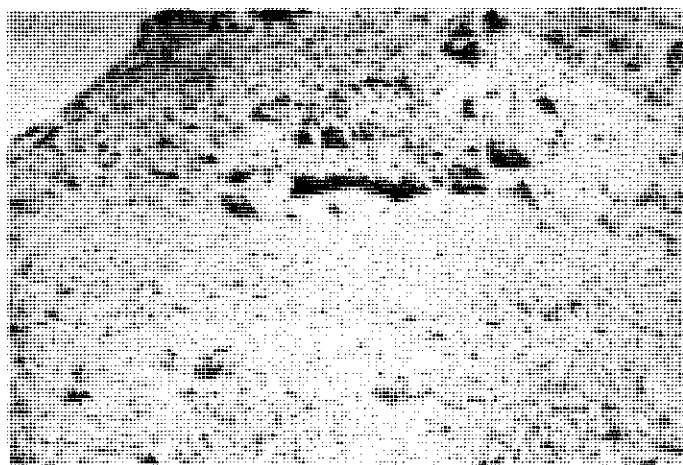


شکل ۷

منظره ای از بازوی جنوبی قلعه فرودگناباد که در آن قطعات فراوان آجر دیده میشود .

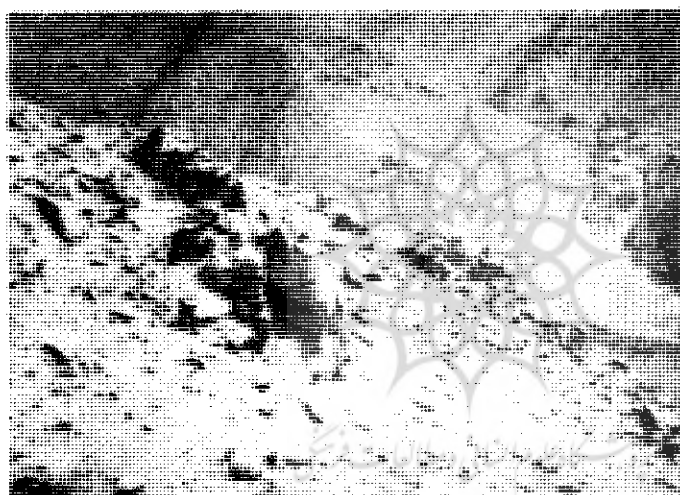
شکل ۸

منظره‌ای از بازوی
غربی قلعه فرودگناباد



شکل ۹

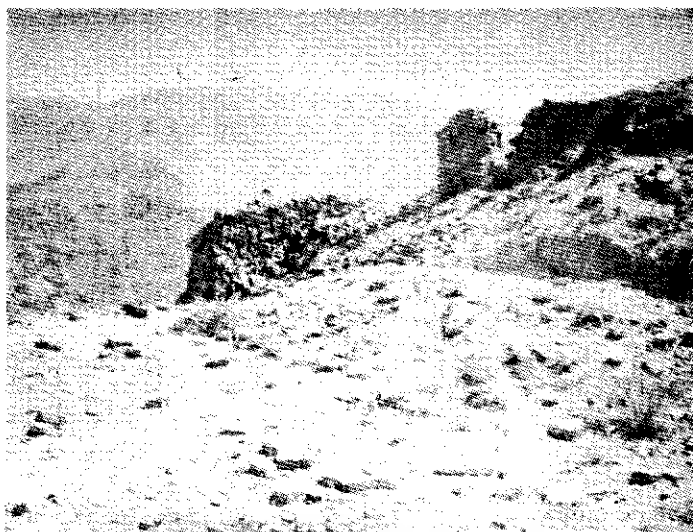
آثار دیوار های سنگی
سمت شرق قلعه
فرودگناباد.



شکل ۱۰

بقایای يك اطاق یا
آب‌انبار که در بازوی
شمالی قلعه فرودگناباد
وجود دارد .





شکل ۱۱

آثار ایوان سمت شرق قلعه فرود گناباد که ظاهر حول و حوش آن حکایت از وجود قسمتهای ساختمانی می‌کند.



شکل ۱۲

دیواری از قلعه دختر شوراب گناباد که از نظر شکل سنگها و طرز چین آنها با تنوره‌های آسیا و دیوارهای قلعه فرود همانند بنظر می‌رسد .